

گزارش فدراسیون اتریش در کنفرانس سراسری نهضت آینده افغانستان

۲۳- جون - ۲۰۰۷

پنجسال قبل یعنی زمانی که نیروهای اشغالگر وارد خاک افغانستان شدند، با دادن وعده های میانتهی چون ختم جنگ، صلح دوامدار، دموکراسی قلابی نوع امریکایی و سایر وعده های سراب مانند، مردم زحمتکش افغانستان را فریب دادند و مردم هم برای مدت کوتاهی حتی از همان وضع پشتیبانی کردند، آن هم به خاطر این که از چنگ باندهای آدمکش طالبی، این سیاهترین ارتجاع تاریخ نجات یافته بودند. اما به مرور زمان مردم درک کردند که تجاوزگران نی به خاطر آوردن صلح در افغانستان، بل که بخاطر منافع استراتژیک و حضور نظامی خود در منطقه که آرمان دیرینه شان بود، وارد خاک افغانستان شده اند.

حالا بعد از سپری شدن پنجسال، دولت بیکفایت مرکزی که معجونی از بیروکراتهای کمپرادور، جهادیان ارتجاعی و مافیای موادمخدر اند، توان آن را ندارد کوچکترین کاری در جهت منافع توده های زحمتکش انجام دهد.

نفوس کشور به دو دسته ثروتمندان بسیار قلیل که پولهای گزاف را از طریق انجوها و کمکهای ملیارددالری کشورهای غربی حیف و میل نموده و به حساب خون ملت ستمکشیده افغانستان به جیب زده اند و مردم عادی، اعم از زحمتکشان، دهقانان، ماموران پایین رتبه و معلمان که پول بخور و نمیری را به هزار مشقت پیدا میکنند، تقسیم شده است.

این اقلیت ثروتمند برخلاف نقشه های قبلی کشورهای غربی به سردمداری امریکا، عوض این که پولها را در کارهای تولیدی به خاطر ایجاد نطفه های سرمایه داری به کار اندازند، آن ها را در بخشهای تجملی به مصرف میرسانند و یا در بانکهای خارج انتقال میدهند. در نقطهء مقابل این اقلیت ناچیز، اکثریت توده های زحمتکش قرار دارد که در فقر و ناداری دست و پا میزنند و از کوچکترین حقوق انسانی مثل حق کار، حق تحصیل و تعلیم و تربیه، حق دریافت کمکهای صحی مجانی، حق دریافت سرپناه و سایر حقوق محروم اند.

در چنین وضعیتی متأسفانه باید اذعان کرد که کدام نیروی چپ دموکرات نیز در کشور حضور سیاسی ندارد تا بتواند توده های مردم و زحمتکشان را بسیج نموده، راههای معقول مبارزه به خاطر دستیابی به حقوق شان را رهبری کند.

از جانب دیگر جنگ خانمانسوز هنوز هم پایانی ندارد، در اثر بمباران امریکا هرروز دهها تن غیرنظامی بیگناه کشته میشوند، ناامنی و عملیات انتخاری بی سابقه، ترس و دلهره را در دلهای مردم عادی روز تا روز افزایش داده و مردم به آینده با یأس و ناامیدی نگاه میکنند. از سوی دیگر زد و بندهای سازمانهای استخباراتی ایالات متحدهء امریکا و انگلستان با طالبان در زمینهء واگذاری ولایتهای شرقی و جنوبی کشور به طالبان تضادهای درونی این دولت ناکارا و تمام نهادهای آن را شدت بخشیده و زیر سوال قرار میدهد. همین اکنون عملاً چند ولسوالی ولایت هلمند در اختیار طالبان قرار داده شده است. البته هدف از این نقشه های شوم و تجاوزگران دوامدار ساختن حضور نظامی شان و جاودانه ساختن وابسته گی افغانستان به نیروهای تجاوزگر است.

در چنین شرایط دشوار و بحرانی که اوضاع سیاسی-امنیتی و اقتصادی-اجتماعی کشور رو به انحطاط است، موجودیت یک نیروی چپ دموکراتیک که وفادار به آرمانهای باژگونسازی شیرازهء کنونی، به نفع توده های زحمتکش و ملیونی مردم باشد، به یک امر مبرم و ضروری تبدیل شده است. البته چنین ادعا نمیشود که این دگرگونی به یک باره گی، بدون سنجش، بدون در نظر گرفتن واقعیتهای عینی جامعه و بدون پیکار دوامدار و خسته گی ناپذیر صورت بگیرد. این هدف به یک مبارزهء دامنه دار و طرح برنامه های مقطعی ضرورت اشد دارد که خوشبختانه امروز با تصویب برنامهء نهضت آیندهء افغانستان به چنین هدفی نایل میشویم.

من از تمام نیروهای ملی، مترقی، دموکراتها و شخصیتهای وطنپرست و ترقیخواه میخواهم که به برنامهء نهضت آیندهء افغانستان نگاه ژرف و دقیق بیندازند. باور کامل دارم که آن کمبودیها و نارسایی که در اهداف یک عده سازمانهای نوپا وجود دارد، در نهضت آیندهء افغانستان دیده نمیشود، باصراحت میگویم که نهضت آیندهء افغانستان با دلایل ذیل پلاتفورم مشترک همه نیروهایی که ادعای چپ بودن را مینمایند، خواهد بود:

۱- پس از فروپاشی حزب- دولت دموکراتیک افغانستان، در حالی که بقایای حزب- دولت و سایر نیروها در یک حالت خاموشی و بلا تکلیفی قرار داشتند، نهضت آینده افغانستان اولین سازمانی بود که افتخار از سرگیری مبارزه انقلابی و دادخواهانه را کمایی کرد و به مثابه ادامه دهنده جنبش چپ دموکراتیک عرض وجود کرد.

۲- نهضت آینده افغانستان دارای اهداف استراتژیک روشن و شفاف به سود انسان زحمتکش و رهایی جامعه افغانی از استثمار و استبداد است. البته برنامه های مقطعی نهضت آینده افغانستان مبارزه دامنه دار و پیگیر از طریق اتحادیه ها، سندیکاها و سازمانهای اجتماعی مترقی و انواع دیگر مبارزات مسالمت آمیز راپیشبینی میکند، که هیچ یک از سایر سازمانهای نوپا چنین استراتژی معین و شفاف را دارا نیستند.

۳- نهضت آینده افغانستان یگانه سازمانیست که از پرستش کیش شخصیت (چه فقید و چه نافقید) مبرا و پاک است. در حالی که تمایل شخصیت پرستی در سایر سازمانهای گویا چپ دیگر قابل لمس و مشهود است.

۴- نهضت آینده افغانستان، سازمانیست که فضای اعتماد و باورمندی کامل در درون آن به یک امر عادی و رفیقانه مبدل شده است. در حالی که در اکثر سازمانهای نوپا تداوم بی اعتمادیها به فرکسیونبازیهها منجر شده است.

۵- نهضت آینده افغانستان در قبال مسأله ملی سیاست روشن و شفافی دارد، مبنی بر محو هرگونه ستم طبقاتی، قومی، جنسی و مذهبی؛ در حالی که قومگرایی و تبارگرایی از همین اکنون دامنگیر سایر سازمانهای نوپا گردیده است.

دوستان و رفقا،

نهضت آینده افغانستان از ابتدای پیدایش تا حال به نوسازی جنبش پیشرو اجتماعی- سیاسی افغانی پرداخته و در این راه به دستاوردهایی هم نایل شده است که گسترش و رشد کمی و کیفی نهضت شاهد این ادعاست. البته در این مبارزه نوسازانه رهبری نهضت آینده افغانستان نقش محوری را ایفا نموده است. هم چنان نشریه آینده در اشاعه و انتشار مطالب اندیشه یی- سیاسی و تحلیل اوضاع کشور و جهان و افشای

انحرافها و کجرویهای یک عدهء منفعتجو، به مبارزهء پیگیر خویش ادامه میدهد. در این یکسال اخیر در پهلوی نشریهء آینده، وب سایت انترنیتی آینده با برازنده گی خاصی درخشیده و آرمانهای دادخواهانه و پیشرو، آرمانهای شریفانهء آزادی، عدالت و برابری را از طریق انتشار مقاله های رفقا و دیگر روشنفکران و همکاران وطنپرست ترویج کرده است.

بنأ، ملاحظه میگردد که نهضت آیندهء افغانستان روز تا روز نی تنها از نظر کمی بل که از نظر کیفی نیز رشد و توسعه نموده و با داشتن مرامنامهء جدید خود به یک سازمان سراسری چپ دموکراتیک تبدیل شده که یقیناً جایگاه نیروهای مترقی و وطنپرست، همین نهضت آیندهء افغانستان خواهد بود.

به پیش در راه اتحاد نیروهای دموکرات، ترقیخواه، چپ و تحول طلب.

داکتر شمس صمدی

www.ayenda.org